

منشاء خلاءهای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب

فاطمه حمودی^۱

چکیده:

با توجه به اینکه حجاب و عفاف برپایه های عقیدتی استوار است و احکام و اخلاق نیز راه رسیدن به آن است. واکاوی حجاب و عفاف از جمله درونی کردن آن با ترویج فرهنگی خصوصا از نظر آیات و روایات امری ضروری است. این مقاله با روش توصیفی-کتابخانه‌ای و هویت‌زوایی از طرایف اثر حجاب و عفاف را به گوانی متمایز به تصویر کشد. همچنین تبیین راهکار در مقابل آسیب‌ها از دیگر اهداف این پژوهش است. از حاصل این پژوهش میتوان دریافت در قرآن کریم حجاب و سبک آن نقش اساسی در تعریف هویت زن مسلمان دارد و اساس تمایز هویتی زن جاهلی از زن اسلامی به همین مسئله بازمی‌گردد، لذا در جامعه معاصر تعریف حجاب و عفاف از رهگذر تاکید در هویت زن و آسیب‌شناسی آن میسر است همچنین هویت زن مسلمان در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، انسانی، اقتصادی و دینی و معنوی تبلور و ظهور دارد، لذا در نهادینه سازی و احراز هویتی زن این ابعاد باید لحاظ شود.

کلیدواژه:

حجاب، عفاف، فرهنگ.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام، اهواز.

مقدمه :

اهمیت حجاب و پوشش اسلامی تا جایی است که خداوند متعال در بسیاری از سوره های قرآن از آن به عنوان یک ضرورت یاد می کند و آن را حافظ انسان در برابر بسیاری از بیماری های جسمی و روانی می داند. از نظر اسلام حجاب فقط اختصاص به زن ندارد. بلکه نوعی پرده است که در روابط میان زن و مرد وجود دارد. در اسلام حجاب مانع گمراهی و خودنمایی و حافظ حرمت و از آداب عفت و حیا است.

عرف اسلام از حجاب آن است که زن مسلمان با فراغت کامل بتواند وظایف و رسالت اساسی خویش را انجام دهد که حفظ نسل انسان، پرداختن به شئون خانه و خانه داری تربیت کودک و اهمیت دادن به آن است. دین مبین اسلام حجاب را به عنوان عامل مهم حفظ و اعتلای شخصیت فردی و تحکیم بنیان خانوادگی و عفت و اخلاق اجتماعی برزن واجب فرموده و حضرت یوسف و مریم (علیهما السلام) را به عنوان اسوه های عفاف و پاکی معرفی نموده، لذا با توجه به مطالب فوق اهمیت و ضرورت حجاب معلوم خواهد شد. بی شک، حجاب مصلحت دارد.

و این بدان معناست که برای دیگران خالی از مصلحت است. اگر زنان در جامعه با پوشش اسلامی ظاهر شوند، یکی از زمینه های تحریک جنسی در جامعه کنترل میشود و سلامت روانی و اخلاقی و دینی جامعه از این جهت تأمین میگردد. در واقع، بی حجابی مانع سلامت جامعه است و حجاب این مانع را برمی دارد و این مصلحت اجتماعی انکار ناپذیری است. حجاب بارزترین نشانه هویت زن مسلمان و عامل نیرومند در حفظ ارزشهای انسانی است.

«رائه الگوی تعارض هویتی» نوشته مینا معروف پور به دنبال شناسایی شاخص های تعارض هویتی زنان از دیدگاه جامعه شناسان می باشد.

«آثار عفاف و حجاب از لسان قرآن و سنت» نوشته روح الله اکبری و پور قلی، مسئله عفاف و حجاب یکی از ضروریات و مسلمات بدیهی اسلام در فرهنگ دینی و اجتماعی ما از جایگاه و منزلت رفیع برخوردار است و آثار مترتب بر مسئله عفاف و حجاب را از لسان قرآن و سنت بیان میشود.

سوال اصلی منشاء خلاءهای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب چیست؟

۱. مفهوم شناسی:

حجاب

در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای نقاب و چادری است که زنان چهره و سرتاپای خود را با آن می پوشانند در زبان عربی و حجاب به معنای پرده حاجب، پوشیدن و پنهان کردن و مایع معنوی می باشد. از همین رو در قرآن کریم نیز واژه حجاب مانع دیده شدن چیزی دیگری می شود.

درباره زنان پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن مجید میخوانیم: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ: اگر از زنان چیزی خواستید از پشت پرده در خواست کنید» (آیه ۵۳ سوره احزاب). به کارگیری کلمه حجاب (مجمع البیان، تفسیر المیزان) در قرآن کریم به معنای حجاب اسلامی مصطلح نیست بلکه پوشش به معنای (ستر)^۳ پوشش است. (مطهری، مسأله حجاب، ص ۴۷۷)

فاصله گرفتن از بی بندوباری های اخلاقی التذاذهای جنسی را به محیط خانه محدود میکند و به اتصال و ارتباط قوی و استحکام کانون خانواده و کارکردها متنوع آن منجر می شود.

واژه حجاب در لغت معنای مانع پرده و پوشش آمده مقصود عالمان اسلامی از حجاب و حکم وجوبی آن این است که زن در هنگام معاشرت با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد. حجاب به معنای پوشش اسلامی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. (الهیات ایجابی و سلبی) بعد ایجابی آن «وجوب پوشاندن بدن» و بعد سلبی آن «حرام بودن خودنمایی برای نامحرم» است. این دو جنبه باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود.

گسترش فرهنگ حجاب و عفاف آثار و نتایج مهمی دارد. در ساحت فردی ایجاد سلامت و آرامش روانی درآحاد افراد جامعه با حجاب و عفاف پیوند داد. در مقابل فقدان حجاب و آزاد بودن معاشرت های بی بند و بارانه میان زن و مرد هیجانها و التهابه های جنسی را فزونی می بخشد و آن را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد.

۲. فلسفه حجاب

یکی از فلسفه‌های حقیقی وجوب حجاب حفظ آرامش زن مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیت اجتماعی با توسعه آن است، زیرانفس آدمی دریایی موج از تمایلات و خواسته‌های اوست و بدون شک بالاترین خواسته‌های مردان تمایل به جنس زن است آنچه می‌تواند از این ناامنی پیشگیری کند و پوشش زن از چشمان نامحرم‌ها است که با حجاب کامل اسلامی عملی خواهد شد. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲)

پوشش دینی پیام عفت و شخصیت و خداترسی از ویژگی‌های زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسعت بخشیدن امنیت اجتماعی دانسته نجابتش را می‌ستایند.

نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی خطاب به زنان است «ای زن آگاه باش دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین‌های شیطان و نگاه‌های آلوده ناامن گشته است، اما فرشته‌های حجاب در محفل انس و یاد خدا ر امنیتی بی‌نظیر به سر می‌برد به دیگران از طعم آن بی‌خبرند. (صدوق، الهدایه، ص ۲۵۷)

ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه، حفظ و استیفای نیروی کار، مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب از جمله آثار و فواید حجاب اسلامی در تحقق امنیت اجتماعی به شمار می‌روند. درواقع حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می‌دهند که به چند نمونه اشاره میشود؛

باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق به ازدواج موفق اسلامی میشود، جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیتهای هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون میشوند. حفظ، حجاب، باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر میشود. مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسئولان را از واردات کالاهای تجملاتی، بهداشتی و آرایشی متبذل نهی میکند.

۳. منشا خلأهای فرهنگی

از دورانی که مملکت در اندرونی پادشاهان خلاصه میشد تا کمی جلوتر که مشروطه ، انقلابی در سطح جامعه و اعتقادات مردم ایجاد کرد حتی روزگاری که دوران شاه و شاهزاده‌ای به سرآمد و انقلاب اسلامی نقطه عطف تاریخ کشور شد، حجاب به شکلها و در قالبهای مختلف در جامعه ایرانی حضور داشته است. به طوریکه بر اساس شواهد تاریخی حجاب یا پوشش زنانه ایرانی، در دوران ایران باستان نیز وجود داشته است.

هر چند که ورود دین اسلام به کشور، چهره ای تازه و تثبیت شده به امر حجاب بخشید. و از آن زمان به بعد، داشتن پوشش برای زنان ایرانی شکلی آمیخته با فرهنگ ملی و آموزه های دینی پیدا کرد. در سالهای اولیه مبارزات انقلاب، حجاب به یکی از بنیان های اصلی اعتقادات مردم و زنان جامعه تبدیل شده بود و فشارهای حکومتی برای حذف چادر یا پوشش از جریان زندگی مردم موثر نبود. به طوری که از دیوارهای زندان قصر گرفته تا سنگ فرشهای مسجد گوهرشاد، همگی گواه مقاومت بانوان ایرانی برای حفظ حجاب است.

اما در این میان کمبودهایی نیز وجود داشته و دارد کمبودهایی که ثمره آن فراگیر شدن برخی سبک‌ها و مددهای غیر ایرانی و اغلب غربی میان نسل جدید است. از نوع مانتوها تا لباس‌های دختران امروزی گرفته، تا تعریف عفت که در این میان کمی دستخوش تغییرات شده؛ همگی مثال‌هایی از این خلأهای فرهنگی است. خلأهایی که مقصر اصلی ایجاد آن را می‌توان دستگاه‌های مربوطه و سیاستگذاران دانست. نهادهایی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا آموزش و پرورش و صدا و سیما تا سازمان‌های متولی حوزه‌های جوانان و عفت همگی در بیشتر شدن ضعف‌های فرهنگی جامعه که منجر به روی آوردن برخی جوانان به سبک و مددهای غربی شده است.

در خصوص کمبودها و ضعف‌های فرهنگی که منجر به ایجاد آسیب‌های حوزه عفاف شده، اینکه انسان موجودی آموزشی پذیر است و آنچه در جامعه ما کمتر شده به آن بها داده شده و به تبع آنها شاهد آسیب‌های فعلی هستیم.

۴. ظرفیت عظیم رسانه ملی در نشان دادن رابطه مثبت حجاب و عفاف

با گسترش الگوی حجاب مبتنی بر تعالیم اسلامی ارزشهای زیربنایی آن یعنی حیا نیز رفته رفته در جامعه گسترش و عمق یافته و درونی میشود. عقاب حالت درونی و باطنی حجاب است و با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و باطن بر ظاهر، یکی از

سیاست‌های حاکم بر جامعه مطرح می‌شود و باید از حالت کلیشه‌ای و تحصیل خارج شده و با روش‌های علمی و صحیح ارائه شود.

حجاب بر خلاف نماز و روزه امر فردی و در خلوت نیست و بروز اجتماعی دارد. یعنی فرد می‌تواند اعتقادی به حجاب نداشته باشد، اما به جهت اجتماعی نمی‌تواند بر خلاف قانون عمل کند. دین اختیاری است مردم می‌توانند دینی که پذیرفتند، را عمل نکنند که البته متضمن آثار اخروی است، اما رفتار آنها نباید منجر به ضرر جامعه شود.

۸. دوگانگی حضور فعال زنان و تعارض نقشی و شخصیتی در جامعه

با توجه به اجتماعی شدن سنتی دختران و مردان از یک طرف و نیاز به رفتار جامعه مدرن به حضور فعال زنان از طرفی دیگر دوگانگی یا چندگانگی و تعارض نقشی و شخصیتی در جامعه به وجود آمده است یا زن بودن گناه است. عواملی که باعث شکل‌گیری نگرش منفی به زنان و دختران و پیامدهای حاصل از این نوع نگرش در طول تاریخ بوده را شناسایی و واکاوی کند و پس از طرح مسئله‌ها و آسیب‌های حاصل از این پدیده، در این مقاله با بررسی و پژوهش در اعصار مختلف و بازخوانی وضعیت زنان و دختران از دوره هخامنشی تا ساسانی و سامانی و زرتشت و غیره به آن پرداخته خواهد شد.

هویت برداشتی است که هر فرد به عنوان زن یا مرد از خود دارد. افراد برداشتی از خود به عنوان انسان دارند و در عین حال برداشتی هم از خود به عنوان زن یا مرد دارند. بر این اساس هویت جنسی امری روانشناسانه، جامعه‌شناسانه یا زیست‌شناسانه است.

جامعه‌شناسان سعی دارند که مسئله را به سمت خود بکشند آنها معتقدند که برداشتی که هر شخص از هویت خود به عنوان یک جنس دارند. علی‌الاصول تحت تاثیر عوامل اجتماعی است. بنابراین جنسیت مقوله‌ای متحول و سیال است که تحت تاثیر تحولات اجتماعی قرار دارد. از سوی دیگر روانشناسان تحلیل می‌کنند، بیشتر جنبه‌های روانشناسانه بحث را مدنظر قرار می‌دهند. نتیجه پذیرش این مفهوم از هویت این خواهد بود که برداشتی که فرد از هویت خود دارد، قطعاً تحت تاثیر اجتماع محیط و تاثیرات خود آگاه و ناخودآگاه روانی... خواهد بود.

چنین چیزی ممکن است به شرط آنکه بین توصیه‌ها و توصیفی که می‌خوانیم برداشت کنیم، ملازمه‌ای وجود داشته باشد که قائل به تفاوت زن و مرد شویم. از سوی دیگر ممکن است برخی گزاره‌ها نیز به صورت جزئی ناظر به تفاوت‌های جنسی زن و مرد باشد به عنوان مثال آیه «أَوَمَنْ يُنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» (زخرف: ۱۸) که ممکن است طبیعی ناظر به ویژگی‌های تجمل‌گرایی بیشتر زنان باشد. گاه با کنار هم قرار دادن برخی آیات و روایات می‌توان به برخی تفاوت‌های جنسی دست یافت یا دامنه تفاوت‌های جنسی را تا حدودی روشن کرد، برخلاف موج دومی‌ها که در بحث تفاوت‌های زن و مرد بسیار تقلیل‌گرا بودند.

می‌توان به این باور رسید که محدوده این تفاوت‌ها هم تفاوت‌های جسمی را شامل می‌شود، هم تفاوت‌های روانی را. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به تفاوت در نوع ارتباط، در احساسات، در قدرت نظر در امور انتزاعی و کلی و تمرکز در امور و غیره اشاره کرد؛ که دسته‌بندی آنها می‌توان تفاوت‌ها را به تفاوت‌های جسمی، ذهنی، تمایلات و احساسات و نوع رفتار زنانه و مردانه تقسیم بندی کرد. اما این دسته‌بندی، درصدد انکار تاثیر فرهنگ و تربیت نیست گفته می‌شود.

«تفاوت‌ها منشأ طبیعی دارند» به این معنا نیست که تربیت نمی‌توان این منشاهای طبیعی را پر اثر یا کم اثر نماید کند، تربیت به گونه‌ای باشد که تفاوت‌های طبیعی کم اثر شود، اما تاثیر تربیت و فرهنگ نیز به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی نیست. پذیرش تفاوت‌های طبیعی زن و مرد از نگاه فمینیستی با نگاه یک مسلمان متفاوت است.

در نگاه موحد خداوند فقط خالق نیست، بلکه برنامه‌ریز و مدبر این عالم هم هست. خلقت عالم خلقت هدفمندی است و خلقت متفاوت زن و مرد را می‌توان مستند به تصادف دانست. بر این اساس تفاوت‌های بین زن و مرد تفاوت‌های معنادار است، بنابراین تنها پذیرش این تفاوت‌ها کافی نیست و باید این تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی برای زن و مرد لحاظ شود، زیرا در غیر این صورت برنامه‌ریزی برخلاف جهت خلقت هدفمند است.

پس تکوین بستری مناسب برای تشریع است. خداوند در آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ» بحث مبسوطی در

ذیل آن در تفسیر المیزان آمده است که علامه در تفسیر این آیه می‌فرماید: «تفاوت‌هایی که در ناحیه تشریع لحاظ شده ضرورتاً به تفاوت‌های در ناحیه تکوین برمی‌گردد. پذیرش تفاوت‌های زن و مرد آثار زیادی به دنبال خواهد داشت که یکی از آنها بحث تفکیک نقش‌ها است» که اگر می‌پذیریم نتیجه آن می‌شود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)

و به طبع آن می‌پذیریم که وحدت هدف در هر دو جنس مطرح است. هر دو به یک غرض غایی خلق شده‌اند و این لزوماً به معنای وحدت میسر نیست. دیگر از آثار تمایز نقش‌ها مسئولیت‌ها و نقش‌هایی را که متناسب با جنس خودش است.

در ادبیات دینی بعضی از صفاتی که برای زنان حُسن شمرده شده برای مردان عیب محسوب می‌شود. در سلوک اخلاقی هم نسخه‌هایی که برای زن و مرد تجویز شده با هم متفاوتند.

نتیجه

زن مظهر ظرافت و جمال آفرینش است. اصلاح جامعه در گرو تقوای زن و محیط خانواده و کلاس درس اوست. بر همین اساس زن مربی بشر است و میتواند با تربیت فرزند، امتی را رهایی بخشد. حال جایگاه والای این گوهر آفرینش، اقتضا میکند که در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های او حفظ شود و این است فلسفه پوشش که خدای حکیم برای ناموس خلقت واجب کرده است.

فلسفه حجاب حفظ ارزش والای زن است و از همین رو است که خداوند پوشش دیدنی را بر او واجب و نگاه به بدن و موی سر او را حرام فرموده است. حجاب و پوشش برای بانوان به ویژه حجاب برتر، یعنی چادر توجه به حریم عفاف و حراست آن از اصلی ترین سنگر زمان و از مهمترین و عمیق ترین و سودمندترین قانون الزامی آفرینش برای آنها و جامعه است.

بنابراین باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صداوسیما ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها، رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد به مهمترین جهت رهنمون گردند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. احمدی، خدابخش، رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی خانوادگی و اجتماعی، بیجا، بیتا.
۲. ترکاشوند، امیرحسین، حجاب شرعی در عصر پیامبر، ۱۳۹۰ش.
۳. جوهری، صحاح اللفه الحجاب الستر الصباح، بیجا، بیتا.
۴. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، غلام حسین انصاری، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۴۰۰ش.
۵. راغب اصفهانی، المفردات فی غرائب القرآن، قم؛ نشرالکتاب، بیتا.
۶. شعاری‌نژاد، علی اکبر، روانشناسی ارشد. تهران: انتشارات اطلاعات، بیتا.
۷. شهیدی، سید جعفر، حجاب در قرآن، بیجا: نشریه پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۰ش.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: منشورات جماعة المدرسین، ۱۴۱۷ق.
۹. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۶۷ش.
۱۱. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ش.
۱۲. محمدی‌نیا، اسدالله، آنچه یک زن باید بداند، تهران ناشر مرکز صاحب الزمان